

کلیدواژه

مصطفی حمیدیه

اشاره: در باب پژوهش و روش آن، آثار متعددی در دسترس است و کلاس‌های غنی و پربراری تشکیل می‌شود، اما در تعلیم، نگاه جزئی و مصداقی به قواعد پژوهش و نحوه انطباق آنها بر مصادیق، کمتر به چشم می‌خورد. جای رویکرد کاربردی به پژوهش، جلسات موسوم به «کارگاه‌های پژوهش» است. در این کارگاه‌ها، متعلمین، با نوشتارهایی پژوهشی که دیگران تولید کرده‌اند مواجه می‌شوند و بطور مصداقی با کاستی‌های فنی آنها آشنا می‌گردند و می‌آموزند که چگونه می‌توان این کاستی‌ها را برطرف نمود. همچنین متعلمین، تحت اشراف استاد، خود، به تولید متنی پژوهشی بر اساس قواعد و ضوابط پژوهش مبادرت می‌ورزند. این کارگاه‌ها، به طلاب، امکان عملی پژوهش می‌دهند. تأثیر این کارگاه‌ها در توسعه پژوهش، آنچنان زیاد است که هرگز با افزایش کلاس‌های تئوری پژوهش نمی‌توان بدان دست یافت. بحث مفصل بر سر اهمیت پژوهش، اقسام پژوهش، نحوه موضوع^۱یابی، طریق تهیه فیش منبع و فیش مطلب، کیفیت نگارش یک نوشتار حقیقی، شیوه ارجاع دهی و اموری از این دست، هرچند بسیار لازم و ضروری است، اما در دادن قلم بر انگشتان متعلمین و درگیر پژوهشی جدی کردن آنان چندان کارآ نیست. حلقه مفقوده در این میان، همان کارگاه‌های پژوهش است. با توجه به اهمیت بسیار حیاتی کارگاه پژوهش که در فوق بدان اشاره شد، بر آن شدیم که در این بخش، به ذکر نکاتی کاربردی درباره مقالات پژوهشی که به دستان می‌رسد بپردازیم. امید آنکه این شبه کارگاه، برای خوانندگان گرامی مفید افتد و گامی در توسعه کارگاه‌های پژوهش باشد. طلاب گرامی می‌توانند مقالات پژوهشی خود را به نشریه ارسال نمایند و نقاط ضعف و قوت کار خود را در شماره‌های آتی جویا شوند. برای این کار، اگر با یک دوره مباحث تئوری پژوهشی آشنا نیستید، ابتدا باید یک کتاب مفید در این زمینه مطالعه نمایید. پس از آشنایی با نکات تئوریک، مقاله پژوهشی کوتاهی (حداکثر 3500 کلمه) بنویسید و تلاش کنید ضوابط را رعایت نمایید. آنگاه آن مقاله را برای ما ارسال نمایید. تلاش ما بر آن است که همه مقالات رسیده را همراه با نکات توضیحی و انتقادی به طبع برسانیم، اما تا آنجا که گنجایش این بخش به ما اجازه دهد. امکان دارد تنها بخشی از مقاله شما به طبع برسد یا مقاله شما در چند شماره متوالی منتشر گردد. مهم نکاتی است که به صورت مصداقی و موردی، کاستی‌ها را متذکر می‌شوند یا پیشنهادهایی برای بهتر شدن مقاله شما دارند.

اهمیت کلیدواژه

مرسوم است که مقالات پژوهشی با یک چکیده و سپس کلیدواژه‌ها آغاز شوند. تعداد کلیدواژه‌ها باید حداقل سه مورد باشد و نیز نباید از حداکثر ده مورد تجاوز کند. افزودن کلید واژه به ابتدای مقالات پژوهشی از دو جهت عمده اهمیت دارد: یکی آشکار کردن ساختار موضوعی مقاله و دیگری فراهم کردن امکان جستجوی نمایه‌ای. بگذارید این دو نکته را بیشتر توضیح دهیم. برای توضیح آن نیاز به یک مقدمه داریم. مقدمات نکته‌ای درباره فنون مطالعه می‌گویم تا برسیم به بحث خودمان راجع به اهمیت کلیدواژه‌های مقالات پژوهشی در جستجوی نمایه‌ای.

شاید آگاه باشید که یکی از فنون مطالعه کتاب و مقاله، آن است که خواننده در حاشیه هر پاراگراف از متن یا واحدی بزرگ‌تر (مثلاً یک صفحه یا فصل کوتاه)، چند واژه بنویسد تا این واژگان، موضوع اصلی و فرعی اول که بلاواسطه با موضوع اصلی مرتبط است را نشان دهند. این کار چه تاثیری بر روند مطالعه دارد؟ باید پاسخ گفت تاثیرات عمیق و مهمی دارد که می‌توان در چند شماره زیر بدانها اشاره کرد:

1. درک بهتر نحوه ارتباط پاراگراف‌ها

2. کشف سیر کلی بحث

3. درک این امر که نویسنده کجا دارد حاشیه می‌رود و از موضوع دور می‌افتد

4. تسریع در مرورهای بعدی مطلب

5. امکان ارائه تلخیصی گویا و وافی به مقصود

6. جستجوی سریع و آسان مطلب مورد نظر در انبوه پاراگراف‌ها

همه این موارد (البته به جز مورد آخر) و موارد مشابه دیگری که می‌توان به عنوان فواید برشمرد، ریشه در یک چیز دارند: قوت یافتن ذهن در درک ساختارمند متن و تجزیه مطالب به سه مقوله اصلی، فرعی اول، زیرفرعی‌ها. دوستان، ما برای یک مطالعه مؤثر و مفید باید به چنین ذهنیتی دست یابیم. تمرین زیاد در نگارش واژگان موضوعی در حاشیه کتاب‌ها و مقالاتی که مطالعه می‌کنیم کمک بسیار زیادی در دستیابی به این ذهنیت می‌کند. ذهن ما باید عادت کند که در همان حین که یک سخنرانی را می‌شنود یا مطلبی را می‌خواند، ساختار موضوعی را کشف کند و درختی نزد خود تصویر نماید؛ درختی که تنه آن، موضوع اصلی و شاخ و برگ‌های آن، موضوعات فرعی و زیرفرعی را نشان می‌دهند. چنین ذهنی در هنگام شنیدن یا مطالعه، به اوج فعالیت خود می‌رسد و با مطلب نه به صورت منفعل، بلکه کاملاً نقادانه و تحلیل‌گرانه مواجه می‌شود. می‌فهمد کجای بحث، بسیار مهم، کجا مهم و کجا غیر مهم است. متوجه می‌شود چند درصد از بحث، حاشیه رفتن است و حواش جمع است که این حاشیه رفتن‌ها باعث فراموشی موضوع اصلی نشود ...

فایده آخر فوق‌الذکر یعنی جستجوی سریع و آسان مطلب مورد نظر در انبوه پاراگراف‌ها، وقتی حاصل می‌شود که واژگان یادداشت شده در حاشیه‌ها، به فیش (کارت‌های مخصوص پژوهش) تبدیل شوند. فیش مزبور به دو صورت قابل تهیه است:

1. در قسمت فوقانی فیش، موضوع اصلی و فرعی یادداشت شده، در زیر، مطلب مربوطه یا خلاصه آن آورده می‌شود. آدرس مطلب هم در فیش آورده می‌شود.

2. کل فیش عبارت است از یادداشت موضوع اصلی، خط فاصله، موضوع فرعی اول، خط فاصله، موضوعات زیر فرعی به ترتیب، خط فاصله، اعلام و اصطلاحات موجود در پاراگراف مورد نظر. آدرس هم مانند صورت قبل باید یادداشت شود.

به نوع اول فیش، فیش تحقیق و به نوع دوم، فیش نمایه‌ای گفته می‌شود. فیش نمایه‌ای، بسیار سریع‌تر از فیش تحقیق تهیه می‌شود و کارایی بالایی دارد. با استفاده از نرم‌افزارهای مناسب یا امکانات آفیس می‌توان فیش‌های نمایه‌ای را به صورت اطلاعات دیجیتالی درآورد. بدین ترتیب، شما پس از چند سال و مطالعه کتب فراوان به یک بانک اطلاعاتی قوی و غنی دسترسی خواهید داشت و با یک جستجوی ساده، مطالب بسیاری راجع به موضوعات مختلف در اختیارتان قرار خواهد گرفت.

حال به مقاله پژوهشی بازمی‌گردیم. ذهن ما تنها هنگام شنیدن یا مطالعه نیاز به درک ساختارمند و موضوعی ندارد بلکه هنگام نگارش و تألیف نیز نیازمند چنین درکی است. آوردن کلیدواژگان در ابتدای مقاله پژوهشی حاکی از آن است که مؤلف، موضوعات اصلی و فرعی خود را به روشنی در ذهن دارد و در تألیف، مواظب آن است که از آنها دور نیافتد و لذا متنی ساختارمند و منظم تولید می‌کند. کلید واژگان ابتدای مقاله برای خوانندگان هم مفید است. اولاً آنها را از ابتدای کار متقاعد می‌کند که این مقاله را بخوانند یا خیر، چرا که موضوعات معلوم است، اگر موضوعات در راستای هدف خواننده باشند به مطالعه اقدام می‌کند و در غیر این صورت، مقاله را کنار می‌گذارد. ثانياً ذهن خواننده از همان ابتدای کار با ساختار متن آشنا شده، به صورت فعال و نقاد به مطالعه‌ای مؤثر می‌پردازد. علاوه بر این فواید، می‌توان مقالات را بر اساس همان کلیدواژگان، به صورت نمایه‌ای فیش‌برداری کرد و بدین ترتیب، جستجوی موضوعات مورد نظر در میان انبوه مقالات ممکن خواهد شد.

نحوه انتخاب کلید واژگان

چه در مقالات موضوع محور که مطالب و مندرجات مقاله، تنوع محتوایی فراوانی دارند و چه در مقالات مسأله محور، فیش‌هایی را که هنگام مطالعه منابع تهیه کرده‌اید در برابر خود بگذارید و موضوعات اصلی و فرعی آنها را در برگه‌ای یادداشت کنید. اگر به خلاف روش مرسوم به تهیه چنین فیش‌هایی اقدام نکرده‌اید، باید به مطالعه مقاله خود بپردازید و واژگان مهم را در حاشیه هر پاراگراف بنویسید. بدین ترتیب شما سیاهه‌ای از موضوعات اصلی و فرعی دارید. فرض کنید سیاهه موضوعات یک مقاله موضوع محور راجع به محمد بن محمد بن نعمان عکبری بغدادی ملقب به شیخ مفید (ره) چنین است: محل تولد، اوضاع سیاسی دوران شیخ مفید، وجه تسمیه به مفید، الارشاد، المقتنه، اوائل المقالات، شاگردان مهم شیخ مفید، نقیب، احتجاجات با عامه، نظرات فقهی خاص، باقلانی، توقیع شریف، عکبر، ...

حال باید سه تا ده واژه را از میان این سیاهه انتخاب کنید. در انتخاب این واژگان کلیدی، ویژگی‌های زیر را رعایت کنید:

1. درباره آن در مقاله، بحث قابل توجهی به لحاظ کمی یا کیفی شده باشد مثلاً اگر درباره عکبر محل تولد شیخ مفید، تنها چند سطر یا یک پاراگراف توضیح داده‌اید، این واژه را در کلیدواژگان نیاورید، اما مثلاً وجه تسمیه را می‌توانید در کلیدواژگان بیاورید به شرط آنکه مفصلاً جریان تسمیه شیخ به مفید توسط استادش رمانی را توضیح داده باشید یا اینکه این جریان به لحاظ کیفی در مقاله شما مهم تلقی شود و زمینه‌ساز مباحث بعدی شما در مقاله باشد (مثلاً از این باب که نشان دهنده رویکرد شیخ مفید در مواجهه احتجاجی با اهل سنت است).

2. با موضوع اصلی ارتباطی گویاتر از کلمات نظیر داشته باشد مثلاً اگر موضوع اصلی شما چهره کلامی شیخ مفید است، نمی‌توان از میان کتابها، المقتنه یا النقض علی ابن جنید را در کلیدواژه‌ها آورد. چون این کتابها بیشتر فقهی‌اند.

3. حتماً کلیدواژگان باید تصویری باشند نه تصدیقی. اگر خواستید یک گزاره تصدیقی را بیاورید (که حتی المقدور نباید این کار انجام شود) آن را به صورت مصدری یا جمله وصفیه برای مفرد درآورید مثلاً در کلیدواژگان نباید چنین بیاورید: «شیخ مفید در رؤیا به تعلیم رضی و مرتضی دستور داده شد»، بلکه اگر لازم است این امر را در کلیدواژه‌ها بیاورید بنویسید: «رؤیای شیخ مفید» یا «تعلیم رضی و مرتضی بر اساس یک رؤیا» یا امثال اینها.

4. تلاش کنید از کلمات تک‌واژه‌ای یا حداکثر دوواژه‌ای استفاده کنید؛ از آوردن کلمات طولانی ترکیبی حتی المقدور بپرهیزید.

مقاله «از منطق تکوینی تا منطق تدوینی»

این مقاله که توسط آقای مجتبی حاجیلو از طلاب گرانقدر حوزه علمیه مبارکه امام صادق علیه السلام شهرستان دماوند نگاشته شده است، حاوی 5 کلیدواژه است: منطق فطری، تدوین منطق، ابن تیمیه، حدود، قیاس.

1- منطق فطری: این کلیدواژه، به لحاظ کمی، سطور بسیار اندکی از مقاله را به خود اختصاص داده است (چهار سطر ابتدای مقدمه و سه سطر در اثنای مقدمه آنجا که از عقل سلیم بحث می‌شود) اما به لحاظ کیفی، بسیار مهم است، زیرا کل مقاله در صدد بیان آن است که وجود این منطق فطری نمی‌تواند ضرورت تدوین منطق را نفی کند. مشاهده می‌شود این واژه، به خوبی و وضوح دارای همه چهار ویژگی فوق الذکر است. انتخاب این کلیدواژه، می‌تواند راهنمای محقق محترم باشد در لزوم پرداختن بیشتر به منطق فطری و توصیف و تحلیل بیشتر آن در مقاله.

2- تدوین منطق: این واژه مصدری، دلالت بر یک فعل و کنش دارد. با دیدن این کلیدواژه، احیاناً ذهن خواننده، بیشتر معطوف آن می‌شود که مقاله درباره مراحل تدوین، نحوه تدوین، تاریخچه تدوین، دست‌اندرکاران تدوین و اموری از این دست به بحث خواهد پرداخت، چرا که ارتباط این امور با تدوین به عنوان یک کنش و فعل بیشتر است. اما آنچه مقاله پی می‌گیرد، ضرورت تدوین منطق است. بنابر این برای رعایت ویژگی دوم فوق الذکر، بهتر است کلیدواژه «ضرورت تدوین منطق» یا «منطق تدوینی» انتخاب شود.

3- ابن تیمیه: هرچند مقدار قابل توجهی از مقاله به اشکالات ابن تیمیه بر منطق تدوینی اختصاص یافته است، اما شخص ابن تیمیه،

نمی‌تواند به عنوان کلید واژه انتخاب شود. اگر بخواهیم به ترتیب از موضوع اصلی به فرعی اول و زیرفرعی‌ها سیر کنیم، مقاله چنین ساختاری دارد: ضرورت تدوین منطق، پاسخ به منتقدین منطق تدوینی، استدلال‌ات منتقدین، استدلال‌ات ابن تیمیه. مشاهده می‌شود، خود ابن تیمیه، جایگاهی در این سیر ندارد. لذا، این واژه فاقد ویژگی اول فوق الذکر است. به جای این واژه می‌توان نوشت: «انتقادات ابن تیمیه.»

4- حدود و قیاس: به نظر می‌رسد این دو واژه نیز هرچند ویژگی اول را دارند، اما فاقد ویژگی دوم هستند. این دو می‌توانند کلیدواژه مقاله‌ای باشند که درباره تعریف، شروط، اقسام و احکام حدود و قیاس نگاشته شده است. پیشنهاد می‌شود، این کلیدواژه‌ها انتخاب شوند: امکان تعریف، فواید قیاس.

اما برخی واژگان هم در فهرست کلیدواژگان مقاله مورد بحث مغفول مانده‌اند، مانند «حجیت عقل» که یک تیتراژ اختصاص داده شده است، «خطاسنجی در عالم اثبات» که نظریه خاص نویسنده محترم است و «منطق وضعی» که در جهت اثبات هماهنگی منطق تدوینی و منطق فطری مورد نفی قرار گرفته است.

برای این نویسنده عزیز و همه طلاب اهل پژوهش امید موفقیت دارم.